

ناکامه نظریه‌های انقلاب

• زهرا کشاورز قاسمی
دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا

وقوع انقلاب اسلامی ایران، نه تنها ساختار سیاسی داخلی ایران و نه فقط نظام بین‌المللی، بلکه دنیای نظریه‌پردازی‌های عرصه‌ی علوم سیاسی و اجتماعی را هم به نقد کشید. بسیاری از نظریه‌پردازان مطرح انقلاب ناچار شدند در آثار جدید خود تغییرات و تعدیل‌هایی را لحاظ کنند؛ زیرا انقلاب اسلامی ایران مطابق هیچ‌کدام از نظریه‌های پیشین در مورد انقلاب تحلیل و درک نمی‌شد. با وجود تنوع فراوان روش‌ها در نظریه‌های انقلاب، هیچ‌کدام از آن‌ها قابلیت تحلیل این رویداد مهم را ندارند و گویی روش و دیدگاه تازه و وسیع‌تری برای این کار لازم است. بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش علمی برای پاسخ به چرایی وقوع این انقلاب، به‌ویژه در بین متفکرین غربی، آغاز شد. گروهی از نظریه‌پردازان از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی بر آن شدند انقلاب اسلامی را براساس نظریات موجود تبیین کنند و گروه دیگری نیز کوشیدند نظریات علمی موجود را به کمک انقلاب اسلامی محک بزنند و نقاط ضعف و قوت آن‌ها را شناسایی کنند. عده‌ای از نظریه‌پردازان نیز درصدد برآمدند به کمک تحلیل‌های چندمتغیری، انقلاب اسلامی را تحلیل نمایند

کتاب انقلاب اسلامی ایران با بیان تفصیلی نظریه‌های سیاسی - اجتماعی انقلاب‌ها، به دنبال یافتن تطبیق آن‌ها با پدیده‌ی انقلاب اسلامی ایران است. نظریه‌هایی که با رویکردهای اقتصادی، سیاسی و... نگاشته شده‌اند، توانایی تبیین کامل انقلاب اسلامی را ندارند و تحلیل جامع و مانعی از آن به دست نداده‌اند. از این رو، این کتاب به نظریه‌ای پرداخته است که با ویژگی‌های رهبری انقلاب و ماهیت اسلامی آن هم‌خوانی دارد و آن نظریه‌ی اسلام سیاسی و رهبری در تشیع است. مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری و تکوین انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، اسلام سیاسی معاصر و رهبری امام خمینی بود. انقلاب اسلامی ایران در شمار انقلاب‌های بزرگ جای می‌گیرد؛ چرا که هم در اساس حکومت و هم در ایدئولوژی غالب کشور، دگرگونی عمده‌ای ایجاد کرد (ص ۱۳) در تحلیل انقلاب اسلامی، رویکردهای مختلفی وجود دارد که بیانگر تأکید هرکدام از این رویکردها بر یک یا تعدادی از عوامل یا بر همه‌ی عوامل فرهنگی، جامعه‌شناختی، اقتصادی، روان‌شناختی و سیاسی در وقوع انقلاب اسلامی است و برای درک درست و بهتر پدیده‌ی انقلاب، نیازمند تأملات نظری در قالب تئوری‌ها هستیم. نگارنده هدف نگارش این کتاب را بازخوانی و



■ انقلاب اسلامی ایران، چالشی بر نظریه‌های انقلاب
■ نوشته عباس ایمان‌پور و زیبا اکبری
■ انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ چاپ ۱۳۸۷؛
تعداد صفحات: ۲۰۳



وقوع انقلاب اسلامی ایران، نه تنها ساختار سیاسی داخلی ایران و نه فقط نظام بین‌المللی، بلکه دنیای نظریه‌پردازی‌های عرصه‌ی علوم سیاسی و اجتماعی را هم به نقد کشید

نظریه‌های انقلاب

تحلیل‌های موجود و ارائه‌ی تبیین جدید از انقلاب اسلامی می‌داند. این رویکرد علاوه بر صحت برخی از تحلیل‌های قبلی، عامل اصلی در پیروزی انقلاب را اسلام سیاسی با رهبری امام خمینی می‌داند. این رهیافت هم مدعی است و هم متواضع، از این جهت مدعی است که ادعا دارد در تبیین انقلاب اسلامی از یک رویکرد جدید و بدیع استفاده می‌کند و می‌تواند چالشی در برابر نظریه‌های موجود درباره‌ی انقلاب اسلامی ایجاد کند و متواضع از این جهت که پژوهش هیچ ادعایی ندارد، در اثبات ادعای خود تمام جوانب را در نظر بگیرد و در یک تحلیل جامع و مانع از انقلاب اسلامی ارائه دهد.

این کتاب در پنج فصل به بررسی و تحلیل نظریه‌های انقلاب پرداخته است

فصل اول؛ کلیات و مفاهیم

مؤلف واژه‌ی انقلاب را بررسی کرده و از دید جامعه‌شناسی سیاسی واژه‌ی انقلاب را با مفاهیم مشابهی همچون شورش، خشونت، کودتا و منازعات یکی دانسته است و معتقد است که جامعه‌شناسی سیاسی وظیفه دارد با ذکر شباهت‌ها و تفاوت‌ها و نیز با کمک گرفتن از داده‌های تاریخی، انقلاب‌ها را به سخن درآورد و با ارائه‌ی تئوری، نه تنها راه را برای شناخت انقلاب‌های گذشته هموار کند، بلکه امکان پیش‌بینی انقلاب‌ها را در جوامع مختلف فراهم آورد. (ص ۲۳) وی به دو نکته در مورد انقلاب اشاره می‌کند: ۱- انقلاب سبب تحولات ارزشی و تغییر در ساختارهای اجتماعی می‌شود ۲- اسباب سرنگونی نظام سیاسی را فراهم می‌آورد. لذا جامعه‌شناسی سیاسی، نقطه‌ای مطمئن برای بررسی انقلاب است؛ چرا که هم به بررسی تأثیرات انقلاب در اجتماع و نقش نیروهای اجتماعی مختلف پرداخته و هم به تأثیرات آن بر دولت، تحولات موجود در نظام سیاسی، هیأت حاکمه و نیز اثرات آن بر دیگر دولت‌ها می‌پردازد. (ص ۲۳)

تعریف انقلاب: در این تعریف، مؤلف معتقد است که انقلاب دارای مفهومی سیال است، بدین معنی که بسته به زاویه‌ی دید پژوهشگران و بر اساس نوع تعریفی که یک فرد برمی‌گزیند، نظام گفتگویی او نیز در آن جهت شکل گرفته و از طرف دیگر آن گفتمان، پژوهشگر را در یک سیر خاص هدایت کرده و پیش می‌راند؛ به طوری که توانایی خروج از آن را ندارد و در یک نگاه کلی، انقلاب‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کند: ۱- انقلاب‌های کبیر ۲- انقلاب‌هایی دارای خشونت.

سپس تعریف ارائه‌شده توسط نظریه‌پردازان و متفکرین غربی

را مطرح و بررسی می‌کند. وی تعاریف آن‌ها را در سه گروه جای می‌دهد: ۱- تعریف انقلاب بر اساس نیت، در این تعریف انقلاب در برگیرنده‌ی تمام انقلاب‌های موفق و ناموفق است و تنها بر اهداف نیات انقلابیون تأکید می‌شود (ص ۲۹)

۲- تعریف انقلاب بر اساس پیامدها، در این تعریف که متعلق به هانتینگتون است. اولاً انقلاب‌های موفق حذف شده‌اند، ثانیاً انقلاب از پدیده‌های مشابهی همچون شورش‌های دهقانی، قیام‌های شهری و... متمایز شده و ثالثاً با تأکید بر عنصر خشونت، انقلاب از عمیق‌ترین اصلاحات رادیکال جدا شده و با پافشاری و برجسته کردن تحولات مهم و عمیق، آن را از رویدادهای کم‌اهمیت متمایز می‌کند. (صص ۳۰-۳۱)

۳- تعریف انقلاب‌ها بر اساس مدل سیاسی، این نوع از تعاریف، بیشتر بر روند کوتاه‌مدت پیروزی انقلاب و کشمکش سیاسی توجه دارند و تأکیدشان بر مسأله‌ی چگونگی انتقال قدرت سیاسی با تکیه بر کاربرد زور و خشونت است. (ص ۳۱)

نگارنده ویژگی‌های انقلاب را در نارضایتی عمیق مردم از شرایط موجود، تغییر در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، ارزشی، و رژیم سیاسی، وجود یک ایدئولوژی جدید، وجود رهبری و خشونت می‌داند.

گونه‌شناسی انقلاب

از قرن ۱۹ به بعد، بررسی و تجزیه و تحلیل انقلاب‌ها آغاز شد. از آن زمان، انواع مدل‌ها و تئوری‌ها برای تبیین اجتماعی، سیاسی، اقتصادی انقلاب شکل گرفت. به طور کلی تئوری‌های انقلاب به سه دسته‌ی کلی تقسیم می‌شوند: ۱. تئوری‌هایی که به علل به وجودآورنده‌ی انقلاب پرداخته‌اند؛ ۲. تئوری‌هایی که روند خیزش انقلاب را بررسی کرده‌اند؛ ۳. تئوری‌هایی که به پیامدهای انقلاب توجه دارند (ص ۳۶)

عمده‌ی تئوری‌ها در مورد علل بروز انقلاب‌ها هستند. مؤلف معتقد است که تئوری‌ها به دنبال یافتن یک‌سری قوانین کلی و عام هستند تا پدیده‌ی انقلاب را تبیین کنند. تئوری‌ها امکان دارد در تبیین انقلاب، تأکید خود را بر روی علت خاص گذاشته و یا نقش بعضی علل را پررنگ کنند. وجهه‌ی دیگر تئوری‌ها این است که نقطه‌ی شروع کار آن‌ها در بررسی انقلاب، وضعیت و مرحله‌ی قبل از انقلاب است؛ در این مرحله که نقطه‌ی انقلاب از آن جا آغاز می‌شود؛ می‌توان نوعی عدم هماهنگی و همگونی را مشاهده کرد. (ص ۳۷)

از قرن ۱۹ به بعد، بررسی و تجزیه و تحلیل
انقلاب‌ها آغاز شد. از آن زمان، انواع مدل‌ها
و تئوری‌ها برای تبیین اجتماعی، سیاسی،
اقتصادی انقلاب شکل گرفت

نظریه‌های انقلاب

نامتوازن هانتینگتون، تئوری جامعه‌ی توده‌وار، رئالیسم و تئوری انقلاب
و... که در این بحث به نظریه‌ی مارکس اشاره می‌شود.

فصل سوم: نظریه‌های مطرح شده درباره‌ی انقلاب اسلامی
ایران

درباره‌ی علل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دیدگاه‌های
متفاوتی مطرح شده است که با توجه به منبع مطرح کننده و تحلیل‌گر،
نظریه‌های موجود متفاوت و حتی متناقض هستند. بین اندیشمندان
این رشته و نیروهای دیگر اتفاق نظر وجود ندارد و خصوصیات انقلاب
باعث شده که نظریات مطرح شده راجع به تبیین و چرایی آن، بسیار
وسیع باشد. ناظران خارجی، با توجه به این که در کدام طیف یا جبهه
قرار دارند، علل و فرضیات مختلفی را عنوان و هر کدام با توجه به منابع
و پیش فرض‌های خود، فرضیاتی مثل فرضیه‌ی توطئه، نظریه‌ی اقتصاد

نظریه‌پردازان مختلف از زوایای گوناگون به انقلاب پرداخته‌اند؛
برخی انقلاب را پدیده‌ای تصادفی و برخی آن را مربوط به ذات حیات
سیاسی پنداشته‌اند. رهیافت علمی، دیدگاه ایدئولوژیکی، تبیین و تفهیم
انقلاب، دیدگاه ساختاری و توجه به عوامل فردی و روانی، از دیگر
زوایایی هستند که نظریه‌پردازان از چشم‌انداز آن‌ها به بررسی انقلاب
پرداخته‌اند. مؤلف نظریه‌های این متفکران را مطرح و بررسی کرده
است.

فصل دوم: سیری در نظریه‌های انقلاب

در این قسمت، نگارنده به توضیح و تفسیر مهم‌ترین نظریه‌های
انقلاب‌ها پرداخته است، تئوری‌هایی نظیر تئوری مارکسیسم در
انقلاب؛ که علاوه بر توضیح این تئوری، به نقد و بررسی آن نیز
پرداخته است. نظریه‌ی بسیج منابع چارلز تیلی، نظریه‌ی توسعه‌ی





انقلاب اسلامی ایران به لحاظ ماهیت درونی خویش و بستر اجتماعی حاکم که بر پایه‌ی مجموعه‌ای از خصوصیات و ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی قرار داشت، شرایط جدیدی در نظریه‌پردازی ایجاد کرد

نظریه‌های انقلاب

و... را مطرح می‌کنند. نیروهای غیراسلامی داخلی نیز هر کدام با توجه به گرایش و طیف فکری خارجی، نظری شبیه به آن طیف و یا حداکثر آمیزه‌ای از چند نظریه را مطرح می‌کنند و در نهایت، نیروهای اسلامی نیز، با رد نظریات مطرح شده، بر دین اسلام و نقش رهبری به عنوان محرک اصلی انقلاب تأکید دارند.

نگارنده نظریه‌ها و رهیافت‌های مطرح شده در خصوص تحلیل انقلاب اسلامی ایران را به صورت زیر دسته‌بندی می‌کند:

۱. رویکرد روزنامه‌نگرانه؛ ۲. نظریه‌ی توطئه؛ ۳. نظریه‌ی بسیج منابع؛ ۴. نظریه‌ی مبتنی بر فرهنگ و مذهب؛ ۵. نظریه‌ی مدرنیزاسیون؛ ۶. نظریه‌ی اقتصاد و جامعه‌شناسانه؛ ۷. نظریه‌ی روان‌شناختی؛ ۸. نظریه‌ی ساختارگرایی ادبی در تحلیل انقلاب ایران؛ ۹. نظریه‌ی ساختارگرایانه؛ ۱۰. نظریه‌ی کارکردگرایانه؛ ۱۱. نظریه‌ی چند علتی

فصل چهارم: مروری بر نظریه‌های رهبری

پژوهش‌های انجام گرفته پیرامون رهبری، جنبه‌های متفاوتی را دربرمی‌گیرند. مجادلات موجود درباره‌ی رهبری بر سر مسأله‌ی چگونگی وقوع انقلاب، مواضع رهبران نسبت به مخالفین یا همگامان انقلاب، ویژگی‌های رهبری و توانایی تصمیم‌سازی آن‌ها هنگام وقوع بحران در مراحل مختلف انقلاب است. از هنگام شروع ناآرامی‌ها تا وقوع انقلاب و در واقع بلوغ آن، رهبران نقش اصلی و هدایتگرانه دارند. می‌توان گفت انقلاب‌ها دارای دو جزء تفکیک‌ناپذیر و به هم پیوسته از رهبران و انقلابیون هستند که بسته به ویژگی‌های هر یک از آن‌ها، انقلاب‌های بزرگ یا کوچک به وجود می‌آیند. (ص ۱۲۴)

درباب سازماندهی و رهبری توده‌ها و ویژگی‌های آن‌ها تحلیل‌های گوناگونی ارائه شده است که بیشتر جنبه‌ی فردی، روان‌شناسانه، اجتماعی، سیاسی یا ترکیبی را در نظر می‌گیرند.

مؤلف به بررسی هریک از این تحلیل‌ها پرداخته و معتقد است که مجموع این نظریه‌ها با یکدیگر توانایی تبیین خواهند داشت؛ اما هنوز به طور کامل و قطعی نیستند و هریک از نظریه‌های موجود را می‌توان بسته به شرایط مکانی و زمانی، به کار گرفت، اما آنچه واضح است این‌که هیچ کدام به تنهایی یک نظریه‌ی کارساز نیست. (ص ۱۵۴)

فصل پنجم: نقدی بر نظریه‌های انقلاب اسلامی و تأکید بر نقش رهبری
در این فصل، نگارنده ضعف‌ها و کاستی‌های هر یک از رهیافت‌های

ذکرشده در فصل سوم را نشان داده و در پی اثبات این مدعاست که این نظریات در تبیین دقیق انقلاب ناتوان هستند و در نهایت با ارائه شاخص‌های اسلام سیاسی معاصر و رهبری امام خمینی فرضیه‌ی خود را اثبات می‌کند. در آخر، وی به این نتیجه می‌رسد که با درگذشت آیت‌الله بروجردی و جست‌وجو برای تعیین جانشین وی و سپس مطرح شدن آیت‌الله خمینی به عنوان مرجع تقلید، تحرک جدیدی در گفتمان سیاسی شیعه ایجاد شد و این تحول توأم با فعالیت‌ها و سیاست‌های گاه ضددینی شاه تشدید و روحانیون را وادار به موضع‌گیری در مقابل تحولات سیاسی کشور کرد. به این ترتیب، بعد از یک وقفه‌ی طولانی، از آغاز دهه‌ی ۱۳۴۰، شاهد انقلابی شدن اسلام سیاسی در قبال سیاست‌های رژیم پهلوی هستیم. مبارزه‌ی عملی برای تحقق حکومت دینی با رهبری امام خمینی، وجه مشخصه‌ی پانزده سال قبل از انقلاب محسوب می‌شود که در نهایت، با بسیج توده‌ها و ایدئولوژی اسلامی توسط روحانیون، به‌ویژه امام خمینی، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. (ص ۱۸۲)

نظریه‌های مربوط به رهیافت انقلاب، مبتنی بر اطلاعاتی هستند که از جوامع دست‌خوش انقلاب به‌دست آمده‌اند و محققان و نظریه‌پردازان براساس همین اطلاعات به مطالعه‌ی ریشه‌های شکل‌گیری انقلاب همت گمارده‌اند. انقلاب اسلامی ایران به لحاظ ماهیت درونی خویش و بستر اجتماعی حاکم که بر پایه‌ی مجموعه‌ای از خصوصیات و ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی قرار داشت، شرایط جدیدی در نظریه‌پردازی ایجاد کرد. این انقلاب ضمن تأیید بسیاری از شاخص‌های انقلاب، متغیرهای نوینی در عرصه‌ی مطالعات مربوط به این رهیافت معرفی کرد و بسیاری از نظریه‌هایی را که بر پایه‌ی تحلیل انقلاب‌های پیشین قرار داشت، در چهارچوب حوزه‌ی اجتماعی ایران انقلابی، تأیید، بازسازی، ترمیم و حتی رد کرد.